



۲۸

در باغ روشنایی

گزیده حقیقة الحقیقه

انتخاب و توضیح:

دکتر احمد مهدوی دامغانی



انتشارات سخن

تهران، ۱۳۷۵

یادداشت ناشر

از میراث ادب فارسی، مجموعه‌ای است برای آشناگرداندن علاقه‌مندان، از هر گروه و در هر سن، با آثار زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران، به نوعی که این آشنایی مقدماتی بتواند انگیزه مطالعه و تتبع بیشتر در این زمینه و انس با آن آثار شود. بدین منظور گزیده‌های مزبور طوری فراهم می‌آید که از نظر اندیشه و موضوع و رغبت‌انگیزی و دلپذیری و نیز از لحاظ زبان فارسی توجه خوانندگان را به خود جلب کند و در عین حال به صورتی ساده و مطبوع عرضه گردد. مقدمه فراهم آورنده متن در معرفی و ارزیابی اثر نیز بدان منظور به قلم می‌آید که به این مقصود کمک کند. این گزیده‌ها به اهتمام دانشمندان صاحب نظر و براساس متنی مصحح و انتقادی و معتبر فراهم می‌شود. بعلاوه، ضبط و تلفظ کلمات و اعلام مشخص است و اصول نقطه‌گذاری در آن رعایت می‌گردد تا مطالعه متن برای خوانندگان آسان باشد. آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و عبارات عربی که در متن آمده باشد نیز با اعراب‌گذاری است. در پایان کتاب، لغات و ترکیبات و اصطلاحات، اسامی خاص،

عبارات عربی یا دشوار و پیچیده به ترتیب شماره صفحات و سطور (یا ابیات) توضیح داده می‌شود. این توضیحات بسیار مختصر و ساده و در حد ضرورت خواهد بود.

پیشنهادکننده این خدمت فرهنگی استاد و دانشمند گرانقدر و ادب‌پرور شادروان دکتر غلامحسین یوسفی بودند که طی سالیان عمر پربرکت خود خدمات شایان و ارزنده به زبان فارسی و فرهنگ ایران کردند؛ و آغازگر این مجموعه شدند.

ویرایش و سرپرستی مراحل آماده‌سازی این مجموعه با همکاری دقیق‌النظر ما، آقای کمال اجتماعی جندقی است که در این امور بیش از چهل سال سابقه خدمت دارند.

امید آن است که این مجموعه به صورت دعوت و مدخلی باشد برای ورود همگان بخصوص جوانان به جهان زیبای ادب و فرهنگ ایران.

و اگر ثوابی بر انتشار این مجموعه مترتب تواند بود نثار روح پدرم مرحوم محمدعلی علمی و پدر بزرگوار و نیاکان او باد که عمر گرانمایه بر نشر کتاب نهادند و وجود شریفشان، نسل در نسل، همواره در خدمت ادب و فرهنگ این سرزمین مقدس بود.

علی اصغر علمی

فهرست مندرجات

مقدمه:	نُه
متن:	۱ تا ۱۳۶
در توحید باری تعالی	۱
حکایت کوران و تصورشان از پیل	۴
حکایت ابله و اشتر	۶
حکایت دوینی احوال	۷
حکایت عمر و دیدار کودکان	۱۰
حکایت زال و خشک شدن کشت او	۱۱
حکایت مرغ با گبر	۱۲
حکایت حج رفتن حاتم اصم و بی‌رزق گذاردن زن در خانه	۱۳
حکایت پیشکش قیس عاصم به خدمت پیامبر اکرم (ص)	۱۵
حکایت نامه‌رساندن روباه به سگ	۱۹
حکایت پیر زاهد در بصره و مبارزه او با نفس	۱۹
حکایت زاهد و صومعه‌نشینی او و گفتار عالم حکیم با او	۲۰
حکایت حیدر کزّار و بیرون کشیدن پیکان از پایش هنگام نماز	۲۵
حکایت بوشعیب الأبی و رفتار «جوهره» همسرش با او	۲۷
المثل فی قصّة ابراهیم الخلیل (ع)	۳۰

- ۳۲ ذکر معراج پیغمبر اکرم (ص)
- ۳۶ ستایش بوبکر صدیق
- ۳۷ ستایش عمر بن الخطاب
- ۳۸ ستایش عثمان بن عفان
- ۴۰ ستایش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۴۸ صفت جنگ جمل
- ۵۰ صفت حرب صفین و کشته شدن عمّار یاسر (رض)
- ۵۲ قصه قتل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۵۷ حکایت و تمثیل در ذمّ غیبت
- ۵۹ در طلب تقوی
- ۶۱ حکایت و تمثیل: آینه یافتن زنگی
- ۶۲ داد و ستد خردمند
- ۶۴ حکایت عاشق و از آب دجله گذشتن او
- ۶۵ حکایت گفتار زن با مردی که عاشق ناصادق بود
- ۶۷ حکایت باران خواستن در زمان عیسی (ع)
- ۷۰ حکایت مرد ابله و غمّاز
- ۷۱ در مذمت رباخواری
- ۷۲ حکایت گدای نادان
- ۷۳ حکایت دوستی مرغ و ماهی پیش از آدم
- ۷۵ حکایت در شجاعت و غیرت
- ۷۵ حکایت سوزن یافتن با عیسی (ع) در چرخ چهارم
- ۷۷ حکایت بر سنگ خفتن عیسی (ع) و گفتار او با ابلیس
- ۸۰ حکایت گفتگوی زنی با مردی نظرباز هنگام طواف
- ۸۱ حکایت مرد نادان با شتر و در چاه افتادن او
- ۸۳ حکایت شکر خریدن ابله و خوردن گِل پا سنگ
- ۸۵ حکایت گفتگوی سلیمان با مرد برزگر
- ۸۷ حکایت خانه کوچک لقمان و گفتگوی او با بوالفضولی نادان
- ۸۹ حکایت گفتگوی زنی با شوی تنگدل خود

- تمثیل گفتگوی عمر با گروهی که ادعای رفاقت و یکرنگی می‌کردند ۹۱
- حکایت مادری که عزرائیل را بر بالین دختر بیمار خود راهنمایی می‌کرد ۹۳
- حکایت اندر جستن روزی ۹۵
- حکایت مجنون و رهانیدن آهو از دام ۹۷
- حکایت گواهی که ز آبای خود آگاه نبود ۹۹
- حکایت اندر اصحاب غرور ۱۰۲
- حکایت مردی که راز اسکندر را با چاه گفت و ۱۰۳
- حکایت عفو خواستن احنف قیس برای گرفتاران ۱۰۶
- حکایت پاسخ مادر یحیی به مأمون برای قتل پسرش ۱۰۷
- حکایت کشته شدن بوالحسین میمندی و سخن مادر او با مسعود ۱۰۹
- حکایت گم شدن جام نوشروان ۱۱۱
- حکایت سلطان محمود و پیرزال ستمدیده و مجازات ستمگران ۱۱۳
- حکایت شحنه مست و شکستن پای مرغ معلم و قصاص قاضی ۱۱۸
- حکایت پیری که تیر شحنه خورد و قضاوت ناحق قاضی درباره او ۱۲۰
- حکایت سفیر فرستادن سلطان محمود به روم ۱۲۳
- حکایت گفتگوی مردی کوفی با هشام درباره ظلم و بیداد او ۱۲۵
- حکایت نوشیروان و مجازات مطبخی ۱۲۹
- حکایت محمود زاوولی و یافتن پنج دینار و ۱۳۱
- حکایت گفتگوی زاهد با امیر بغداد درباره زهد ۱۳۳

توضیحات ۱۳۷ تا ۲۶۳

فهرستها: ۲۶۵ تا ۲۸۸

- فهرست آیات ۲۶۵
- فهرست احادیث و اقوال ۲۶۷
- فهرست لغات و ترکیبات ۲۷۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد الحمد و الصلوة، کتابی که اینک در دست شما خواننده عزیز است «منتخبی» است از کتاب مستطابِ حدیقة الحقیقة شاعر بزرگوار و عارف نامدار حضرت حکیم «سنائی غزنوی» قدس الله تربته^۱.

دو سال پیش سرور ارجمند و دوست بزرگوار و دانشمند این بنده حضرت استاد دکتر سید محمدرضا جلالی نائینی ادام الله معالیه، بنابر حُسن ظنی که بر این مخلص قدیمی و ارادتمند صمیمی خود دارند، جناب علی اصغر علمی حفظه الله تعالی مدیر محترم مؤسسه انتشاراتی سخن را واداشتند که از این حقیر درخواست فرماید که تلخیصی از حدیقه را با شرح مختصری بر آن به نحوی که دانشجویان را به کار آید آماده سازم، و آنچه در این مجلد است همان است که در اجابت امر ایشان فراهم آمده است، و خداوند توفیق ایشان و قدرت مؤسسه انتشاراتی شان را بر نشر مستمر سلسله منتخبات شعر و نثر ممتاز ادب فارسی مستدام و روزافزون فرماید.

پس از اتمام کار تخلص حدیقه در حدی که منظور ناشر محترم بود، با تجربه‌ای که چند سال قبل، از چاپ کتاب «المجدی» به دست آورده بودم، با

آنکه سخت نگران «اغلاطِ مطبعی» صورت چاپ شده دستنویس خود بودم، روا ندیدم که زحمت دشوار «غلط گیری مطبعی» را با ضعف مزاج و کثرت مشغله حضرت استاد دکتر جلالی نائینی به معظم له تحمیل کنم و متحیر ماندم که از کدام یک از دوستانِ فاضلِ عزیز و صمیمی خود که خدای متعال همه شان را سالم و سعادت مند بداراد تقاضا کنم که چنان کار سختی را بر عهده بگیرد تا آنکه خداوند به لطفِ خود این جرأت را به حقیر داد که جسارت ورزم و از دوست عزیز دانشمند و برادر مهربان ارجمندم حضرت استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی ادام الله ایام افاضاته درخواست کنم تا به مناسبت ارادت موروث و مکتسبی که به حضرتشان دارم و به مقتضای منجبت و مرحمت فراوانی که ایشان به این فقیر دارند، بر بنده منت گذارند، و اولاً مطالعه نوشته این مخلص را بر چشم ظریف و وقت شریف خود تحمیل کنند و خطاها و طغیان قلم های آنرا اصلاح فرمایند. و ثانیاً اگر آن را شایسته چاپ دیدند و به مؤسسه محترم سخن تسلیم فرمودند، پس از آنکه «غلط گیری» های مطبعی توسط متصدیان محترم این امر در مؤسسه یا مطبعه در نوبه اول و دوم انجام شد، لطفاً بر آخرین نمونه چاپ شده نظارت فرمایند و اگر «غلط مطبعی» به نظرشان نرسید اجازه چاپ آن را بدهند و جناب ایشان نیز با سعه صدری که خاص خلق شریف و طبع لطیف ایشان است استدعای مرا پذیرفتند و مرا مرهون محبت خود ساختند. اینکه عرض کردم ارادت بنده به ایشان و مرحمت ایشان به بنده «موروث و مکتسب» است از آن روست که میان والد ماجد محترم ایشان حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای میرزا محمد شفیعی کدکنی طاب ثراه^۲، و والد مرحوم این بنده از همان اوان جوانی و دوران طلبگی تا آخر عمر هر دو مغفوراً لهما غلقة مودت و رفاقت بی شائبه و واقعی برقرار و رشته صداقت و صفا استوار مانده بود و لذا به مقتضای «الحبُّ و البغضُ يتوارثان» این و داد و وفاق ارثاً به جناب ایشان و این بنده منتقل

گردیده است و طبعاً بر این رابطه مؤروث، اخلاص و ارادتی که شخصاً به جناب دکتر شفیعی کدکنی داشته و دارم افزوده شده است که: خَلْقی بر محاسن اخلاقی و فضایل نفسانی و مقامات علمی و آثار ادبی ایشان، مُتَعَشِّقند و من، هم، خدای مَنان نعمت وجود دکتر شفیعی کدکنی را برای ادب و فرهنگ فارسی و اسلامی پایدار فرمایاد.

* * *

درباره حکیم سنائی و آثار جاودانی مسلّم الصدورِ از او، و یا منسوب بدو، پس از تحقیقات عالمانه استاد بزرگوارِ ما، دانشمند ملکوتی صفات، سیدِ جلیلِ نبیلِ مرحوم استاد سید محمد تقی مدرّس رضوی قُدّسِ سرّه که در مقدمه دیوان، و حدیقه، و مثنویهای سنائی مرقوم فرموده و سپس افادات و تحقیقات آن مرحوم با مقدمه فاضلانه ای که استاد دکتر شفیعی کدکنی بر «تازیانه‌های سلوک» نگاشته‌اند تکمیل و بعضاً نیز «استدراک» شده است، قلمفرسائی بیشتر کاری بیهوده و عبث می‌نماید خاصه آنکه شرح احوال و آثار سنائی صفحات متعددی را از کتب تراجم و تاریخ ادبیات به خود اختصاص داده است، و به هر صورت سنائی مشهورتر از آن است که نیازی به معرفی او باشد. سواي، فردوسی و سعدی و حافظ و نظامی، اگر از میان همه شاعران نامدار فارسی چهار شاعر را به عنوان ستارگان قدر اول آسمان شعر و ادب ایران برگزینیم، بی‌هیچ تردید قطعاً سنائی یکی از آنان است، گو اینکه اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی و فلسفی و کلامی سنائی در مسائل شریعت و مقامات طریقت از والاترین و زیباترین اندیشه‌های انسانی، و از موارث گرانبهای فرهنگ ایران اسلامی است. درباره شاعری که مردی چون حضرت مولوی به صراحت - و هر چند هم که در مقام تأدب صوفیانه و احترام به «پیش‌کسوتی» سنائی و پذیرش «الفضل للمتقدم» باشد - بیان رسا و شیوای خود را در مقایسه با سخن او «تُرک جوش نیم خامی^۳» می‌شمارد، و حکیم خاقانی (و به تعبیر

مرحوم سیدالشعراء امیری فیروزکوهی که در زمان ما از بزرگترین سخن سنجان و نقّادان بود: «امام خاقانی» که شاید بتوان گفت کمتر شاعری در عرب و عجم به اندازه او در خودستائی شاعرانه و مباحات و تفاخر به شعر خود، مبالغه کرده باشد، با الهام گرفتن از آیه شریفه «ما ننسخ من آیه او ننسها، نأت بخیر منها أو مثلها»^{*} خود را جانشین سنائی می شناسد و در آن قطعه بسیار فاخر خود می گوید:

چون زمان عهد سنائی درنوشت آسمان چون من سخن گستر بزاد^۴
 چه می توان گفت؟ سنائی شاعری است که آوازه شهرت او در دوران
 اخیر زندگی و یا اندکی پس از مرگش از مرزهای وسیع زبان نازنین فارسی
 گذشته بوده است و عرب زبانان بخوبی او را می شناخته اند. حسان بن نمیر
 معروف و ملقب به «عزقله کلبی» متوفی در ۵۶۷ هـ. ق یعنی بیست و دو سال
 پس از رحلت حکیم سنائی، در بیان عظمت و بلاغت شعر خود و تفاخر بدان
 می گوید:

أَبْجُمَلُ أَنْ أَضَامَ وَ دُرُّ شَعْرِي أَحَبُّ مِنَ الْغَنِيِّ بَعْدَ الْعَنَاءِ
 أَمَالَ الْعَرَبِ عَنِ شَعْرِ «التَّهَامِي» وَأَغْنَى الْعُجْمِ عَنِ شَعْرِ «السَّنَائِي»

یعنی: «آیا زیننده است بر من که شعر روانم (یا گوهر شعرم) از
 توانگری و بی نیازی پس از سختی و تنگدستی، محبوب تر و مطبوع تر است،
 ستم رود؟»

«شعر من، دل تازیان را از شعر «تهامی»^۵ به سوی خود برگردانده و
 پارسیان را از شعر سنائی بی نیاز ساخته است.»^۶

پس چه بهتر که درباره سنائی بیش از این عرض نکنم و خواننده گرامی
 را به سخن و شعر او واگذارم.

*- سوره بقره (۲)، آیه ۱۰۶.